

بررسی شاخصه‌های نوآوری از دیدگاه قرآن کریم*

فاطمه علایی رحمانی

(استادیار دانشگاه الزهراء(س))

Alaee Fateme@yahoo.com

مرضیه محمص

(دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث)

Mmohases@yahoo.com

چکیده: ثمرات نوآوری نسیم حیات بخشی است که اگر در پیکر جامعه جریان یابد، سبب ماندگاری و پویایی آن می‌شود. نوآوری پیش درآمد توسعه و تعالی یک جامعه است.

در نگرش قرآنی انسان موجودی فراتر از سایر موجودات است، که اسماء الهی به صورت ظرفیت‌هایی بالقوه در ذات وی سرشته شده و قابلیت آن را دارد تا پس از طی فرآیندی تلاشمند، ظهور توانمندی‌های درونی‌اش را به نظاره بنشیند. آیین اسلام که بنیادی‌ترین مفاهیم و اصول آن در قالب معجزه آسمانی قرآن تجلی یافته، تحولی عظیم در جمیع شئون مرتبط با حیات انسان ایجاد کرده است.

اصول و مبانی اسلامی هرگز انسان را به سمت و سوی رکود و جمود سوق نمی‌دهد، زیرا رسالت اسلام، تکامل، پیشرفت و ارتقای انسان است.

در این جستار، برای بررسی شاخصه‌های نوآوری با رویکردی قرآنی، مفهوم «نوآوری» را تبیین و سپس وجوه افتراق آن را با بدعت‌گذاری تعیین می‌کنیم.

از آن‌جا که اجرایی شدن بعضی دستورالعمل‌های قرآنی در زندگی فردی و اجتماعی مسلمین در جهان معاصر نیازمند تحقق نوآوری‌های علمی و عملی است به چند قاعده قرآنی در این راستا اشاره می‌نماییم.

* تاریخ دریافت: ۸۸/۴/۷ تاریخ تصویب: ۸۸/۱۱/۱۷

بر این اساس مهم‌ترین ملزومات و برجسته‌ترین موانع تحقق نوآوری در جوامع اسلامی از دیدگاه قرآن کریم بررسی می‌شود. هدف این جستار، تمهید فضای مناسب برای تضارب آراء، ارزش‌گذاری بر مقوله نقد، اشاعه روحیه پرسش‌گری، پرهیز از مناقشه در مناظرات از جمله مهم‌ترین مقدمات و جمود فکری، گذشته‌گرایی، شخصیت‌گرایی و از خود بیگانگی در زمره مهم‌ترین موانع تحقق نوآوری از دیدگاه قرآن است.

کلیدواژه‌ها: نوآوری، قرآن کریم، شاخصه‌ها، پرسش‌گری، گذشته‌گرایی، شخصیت‌گرایی، از خود بیگانگی

مقدمه

ظهور دین مبین اسلام، تجلی‌گر بالندگی مسلمین در عرصه‌های دانش و تمدن بوده است؛ چرا که راست دینی است که ایستایی و رکود را نمی‌پذیرد و اصل تغییر و تحول را به عنوان یک سنت الهی به رسمیت شناخته است (رحمان: ۲۹). اسلام که آخرین مذهب جهان شمول الهی است، به دلیل شمول خصوصیات و ویژه از جمله؛ جامعیت تعالیم (نحل: ۸۹)، ثبات قوانین (فاطر: ۴۳)، تکمیل ادیان پیشین (صف: ۶؛ مائده: ۱؛ آل‌عمران: ۱۹) اعتدال فرامین (بقره: ۱۴۳، اعراف: ۱۹۹) و... روشنگر مسیر نوین کمال و پویایی انسان است.

قرآن کریم، راهنمای جاویدان بشریت نیز، با ارائه مفاهیم عقلانی، فراگیر و هماهنگ در عرصه تشریح (نک. موسوی خویی ۱۴۰۱: ۶۶-۶۲؛ جوادی آملی ۱۳۷۸: ج ۱، ۱۳۶)، و با فصاحت و بلاغتی هم‌تا طلبانه (نک. رافعی ۱۴۲۱: ۱۳۷-۱۳۳؛ دروزه ۱۴۲۱: ۵۰) و در قالبی شورانگیز، احساس‌آفرین و عمل‌زا (نک. ایازی ۱۳۸۰: ۳۸) مصداق تمام عیار یک نوآوری در عرصه ادیان آسمانی است. امروزه با توجه به سیر تکاملی و تزییدی علوم و معارف، متون دینی با پرسش‌های جدیدی روبه‌رو هستند.

«نوآوری» از جمله مفاهیمی است که در قاموس اندیشه و تفکر معاصر مورد توجه و اقبال اندیشمندان است. نویسندگان و صاحب‌نظران بسیاری با گرایش‌ها و انگیزه‌های گوناگون درباره آن نوشته‌اند. با این وجود، ویژگی‌های خاص اندیشه اسلامی سبب شده، تبیین موضوع نوآوری در عرصه برون دینی با ابهاماتی مواجه شود.

بی‌شک، مهم‌ترین دلیل وجود این ابهامات، عدم تعیین مبانی و شاخصه‌های نوآوری در چارچوب اندیشه اسلامی است.

این امر و تحولات پدید آمده در صحنه‌های اجتماعی و فرهنگی کشور، بررسی چنین اندیشه‌ای با استناد به آیات قرآنی را توجیه می‌کند.

«نوآوری» در گذشته نمود و ظهور اندکی داشت؛ اما در دوران معاصر کمیت و کیفیت نوآوری‌ها، معیاری مهم در سنجش پیشرفت و یا عقب‌ماندگی کشورها است. از مفهوم نوآوری همچون شمشیری دو لبه، در تاریخ معاصر سوء استفاده‌های زیادی شده، بنابراین مفهوم «نوآوری» در این پژوهش، نوگرایی به معنای انطباق با مدرنیته و نوکردن مفاهیم دینی با رویکرد غربی نیست، بلکه تلاشی عملی برای رشد و تعالی جامعه اسلامی بر پایه مبانی فکری قرآنی است.

در این جستار پس از تبیین مفهوم «نوآوری»، شاخصه‌های امروزی نوآوری از دیدگاه قرآن کریم را بررسی می‌کنیم.

۱. معنا شناسی

قبل از تبیین مسئله مورد بحث، باید مفهوم و مرزهای نوآوری را تشریح و تبیین کنیم.

۱-۱. مفهوم نوآوری

واژه فارسی «نوآوری» در زبان عربی معاصر، معادل کلمه «التجدید» است (آذرنوش ۱۳۸۱: ۷). این کاربرد از ریشه «ج د د» کاربردی جدید است. استفاده از این واژه در متون ایرانی و سایر کشورهای مجاور از قرن نوزدهم میلادی متداول شد (جان محمدی ۱۳۸۶: ۴۶).

در معجم‌های لغوی متقدمان، فحوای مد نظر ما از «نوآوری»، یکی از زیرمجموعه‌های ریشه «ب د ع» است. یعنی در کتب سلف، مفهوم کلمه نوآوری و بدعت‌گذاری یکسان بود. در کتاب‌های لغت طراز اول، «ب د ع» به معنای آفریدن و آغاز کردن (ابن منظور ۱۴۰۸: ج ۱، ۴۱) و ساخت چیزی بی‌الگوی قبلی است (ابن فارس ۱۴۰۴: ج ۱، ۲۰۹؛ جوهری فارابی ۱۴۲۶: ج ۳، ۹۸۶).

در فرهنگ‌های لغت معاصر «نوآوری» را ارائه ابتکاری روش‌های جدید در علوم و صنایع معنی کرده‌اند (دهخدا ۱۳۷۷: ج ۱۴، ۲۲۷۶۷؛ انوری ۱۳۸۱: ج ۸، ۷۹۹۴).

مفهوم نوآوری در قرآن کریم با ریشه‌های فعلی همچون بدع (بقره: ۱۱۷؛ انعام: ۱۰۱)، بدء (بروج: ۱۳؛ روم: ۱۱؛ یونس: ۳۴)، انشاء (یس: ۷۹؛ واقعه: ۷۲؛ عنکبوت: ۲۰)، خلق (نحل: ۴؛ فرقان: ۵۴؛ علق: ۲) و فطر (انعام: ۷۹؛ روم: ۳۰) تداعی می‌شود.

مفسران با اشاره به اسم فاعل این افعال، آنها را از جمله اسماء حسناء یا نام‌های نیک نامتناهی باری تعالی و دلالت بر صفاتی ثبوتیه می‌دانند و می‌گویند باید به آن صفات ایمان آورد و کوشید پرتوی از آن مفاهیم را در وجود انسانی خویش که صبغه‌ای الهی دارد، منعکس کرد، زیرا هدف از ذکر این صفات، تشویق به تخلق به آنها است (نک. مکارم شیرازی ۱۳۷۴: ج ۷، ۲۷-۲۵).

در مجموع، «نوآوری» توانایی ارائه مفهوم و یا فرآورده‌ای جدید در متن حیات است و به صورت‌های گوناگونی قابلیت ظهور می‌یابد از جمله:

- ارائه محتوایی کاملاً جدید و ساخته و پرداخته ذهن و قلم نوآور، مثلاً یافتن جواب معادله‌ای که تا آن روز بی‌جواب بود.
- حل تناقضات و تعارضات میان مبانی دو یا چند اندیشه.
- ارائه طبقه‌بندی نوینی از آگاهی‌های پیشین با هدف اطلاع‌رسانی گویاتر از قبل.

۱-۲. مفهوم بدعت‌گذاری

گفتیم که لغویات طراز اول، به تفاوت لغوی اندکی میان «نوآوری» و «بدعت‌گذاری» قایل بوده‌اند. مثلاً آنان «بدع» را بدعت‌گذاری یا اعمال هرگونه دخل و تصرف در امر دین تعریف می‌کردند (ابن فارس ۱۴۰۴: ج ۱، ۲۰۹؛ ابن منظور ۱۴۰۸: ج ۱، ۳۴۱؛ طریحی [بی‌تا]: ج ۴، ۲۹۸).

با بررسی کتاب‌های معتبر حدیث به نظر می‌آید بدعت‌گذاری از سوی معصومین (ع) همیشه ناپسند و شامل حکم تحریم بوده است، زیرا بدعت تفکر یا عملی است که (ابن اثیر ۱۳۶۴: ج ۱: ۱۰۶؛ شهید اول ۱۲۷۲: ۱۵۶؛ العسقلانی [بی‌تا]: ج ۱۳، ۲۱۲) پس از پیامبر (ص) به آن عمل یا تفکر دینی می‌گویند، حال آن‌که مصداق هیچ یک از احکام دینی نیست و یا این‌که آن عمل به صراحت نهی شده است (مجلسی ۱۴۰۳: ج ۲، ۲۶۴). در روایات بدعت‌گذاران را گمراه (مجلسی ۱۴۰۳: ج ۳، ۲۸۹) و ملعون (همان: ج ۷۷، ۱۰۶) می‌نامند و بر این نکته تأکید دارند که سایر اعمال نیک آنان هرگز پذیرفته نمی‌شود (همان، ج ۲، ۲۹۸). بدعت‌گذاری در قرآن کریم با تعبیری مانند «ابتداع»

(حدید: ۲۷)، «افتراء» (نحل: ۱۱۶؛ انعام: ۱۳۸؛ اعراف: ۳۷؛ هود: ۱۸ و «کتمان حق» (بقره: ۱۵۹) بیان می‌شود.

گروهی از یهودیان (بقره: ۸۰؛ توبه: ۳۰؛ آل عمران: ۷۵؛ انعام: ۹۳؛ بقره: ۷۹)، مسیحیان (حدید: ۲۷؛ مائده: ۱۷) و جاهل مسلکان (توبه: ۳۷؛ اعراف: ۲۸؛ مائده: ۱۰۳) با هدف عبرت‌آموزی، از جمله بدعت‌گذاران هستند. در قرآن کریم گمراه‌سازی دیگران (انعام: ۱۴۴) و محرومیت از رستگاری (انعام: ۱۴۰) از نتایج چنین رویکردی محسوب شده است.

۱-۳. مرز بدعت‌گذاری و نوآوری

اگرچه تعریف ارائه شده از دو واژه «بدعت» و «نوآوری» تا حدودی مرزها را مشخص می‌کند اما از آن‌جا که در متون معاصر، گاهی دیده می‌شود نویسندگان از این دو واژه به صورت معطوف و با بار معنایی یکسان استفاده می‌کنند، لازم است جملاتی را به تعاریف ارائه شده اضافه کنیم. بدعت‌گذار از توحید تشریحی روی می‌گرداند و در شئون ربوبی تصرف می‌کند که این کار در اسلام از جمله گناهان کبیره است. اما نوآور بر اساس سرشت کنجکاو، جستجوگر و حقیقت‌جوی خویش به نوپردازی در زندگی فردی و اجتماعی، در محدوده باورهای بنیادین نشأت گرفته از کتاب و سنت می‌پردازد و آیین اسلام نه تنها مخالفی با این کار ندارد، بلکه آن را لازمه حیاتی با نشاط و توانمند در پاسخ‌گویی به مقتضیات زمان و نیازهای جوامع انسانی می‌داند (سبحانی ۱۳۸۰: ۸۳-۷۵؛ دلشاد، ۱۳۸۲: ۱۴۶۰-۱۳۸۲).

بنابراین علی‌رغم آن‌که بدعت‌گذاری ارزش علمی ندارد و به نوعی تولید جهل است، نوآوری مشروط بر آن‌که در تعارض با ارزش‌گذاری‌های عقلانی و آموزه‌های حیات‌بخش و حیانی نباشد، حرکت آفرین و تمدن‌ساز است.

۲. قاعده‌هایی قرآنی در لزوم تحقق نوآوری در جامعه اسلامی

در آیات قرآنی و در متن ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی اسلام، دستورالعمل‌های صریحی ارائه شده که تحقق آن منوط به رویکردهای نوآورانه در جامعه اسلامی است. از جمله مهم‌ترین قاعده‌های قرآنی در این راستا عبارت است از:

۲-۱. اصل منع تسلط بیگانگان بر مسلمانان

یکی از مهم‌ترین اصول در نحوه تعامل میان حق‌مداران و باطل‌گرایان، قاعده نفی سبیل است. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿... وَ لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾ (نساء: ۱۴۱). بیشتر مفسران در تفسیر این آیه معنای تسلط و یا غلبه را در تقدیر کلام می‌دانند، البته در تعیین حوزه تسلط از تعابیر مختلفی استفاده می‌کنند. طبرسی به غلبه ظاهری مؤمنان بر کفار با استعانت از اراده الهی اشاره دارد (طبرسی ۱۹۹۰: ج ۲، ۱۲۸)، به عبارتی اگر مؤمنان، ایمان واقعی داشته باشند، به مشیت الهی بر سایرین غلبه خواهند یافت. در تفسیر نمونه می‌خوانیم که این آیه شریفه، کافران را نه تنها از نظر استدلال و منطق، بلکه از نظر نظامی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی،... بر اهل ایمان مستولی نمی‌داند و اگر خلاف آن در جوامع وجود دارد، دلیلش در ضعف ایمان‌ها است (مکارم شیرازی ۱۳۷۴ک ج ۴، ۱۷۶).

صاحب تفسیر من وحي القرآن، این آیه را تعیین خط مشی اجتماعی و سیاسی مسلمانان در مقابل کافران می‌داند و می‌گوید مسلمانان هرگز نباید اجازه اتلاف سرمایه‌های مادی و معنوی خویش را به کافران بدهند (فضل الله ۱۴۱۹: ج ۷، ۵۱۳). در دنیای امروز که استثمار و استضعاف ملت‌ها و برتری طلبی در عرصه علوم و فنون، کلیدی‌ترین سلاح استعمارگران است. مطمئناً یکی از مهم‌ترین روش‌های طرد آنان از سیطره بر ممالک اسلامی، تجهیز به نوآوری‌های علمی و صنعتی است و هر گونه اهمال و سستی در این عرصه منجر به تضعیف مسلمانان خواهد شد.

۲-۲. اصل عزت‌مندی مؤمنان

مفسران، «عزت» را مجموعه عوامل قدرت آفرینی که به صاحبش توانایی دخل و تصرف در محیط پیرامونش می‌دهند، تعریف می‌کنند (فضل الله ۱۴۱۹: ج ۲۲، ۲۴۰). امام صادق(ع) در حدیثی با استناد به این آیه می‌فرماید: «خداوند تبارک و تعالی همه کارهای مؤمن را به خودش واگذار کرده، ولی به او واگذار نکرده که موجبات ذلت خویش را فراهم آورد (الکلینی ۱۳۸۸: ج ۵، ۶۳).

یکی دیگر از آیاتی که مبنایی قرآنی در لزوم اجرایی شدن راه‌کارهای نوآورانه دارد آیه ﴿... وَ لِلَّهِ الْعِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ لَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (منافقون: ۸) است. در این آیه سربلندی و عزت پس از ذات اقدس الهی و وجود نورانی پیامبر

اکرم(ص)، از جمله حقوق مسلم مسلمانان است. طبرسی ظهور چنین عزتی را در غلبه دین‌شان بر دیگر ادیان و یاری آنان در امور دنیوی می‌داند (طبرسی ۱۹۹۰: ج ده، ۴۴۵). بی‌شک یکی از عواملی که اهتمام بر آن بستر مناسبی برای طرد وابستگی‌ها و توسعه مطلوب و عزت‌مندی جامعه اسلامی، فراهم می‌کند، اجرای روش‌مند نوآوری‌های کارآمد برای اصلاح کاستی‌های موجود است.

۲-۳. اصل مقابله با تجاوزکاران

در آیین اسلام، مجموعه متعلقات مسلمانان حرمت خاصی دارند که بیگانگان اجازه هیچ‌گونه دخل و تصرفی در آنها ندارند. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿... فَمَنْ اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ...﴾ (بقره: ۱۹۴)

علامه طباطبایی این آیه را سفارشی به مسلمانان می‌داند تا ملازم طریق احتیاط باشند و حتی در اعتداء و تجاوز برای قصاص نیز از حد فراتر نروند (طباطبایی ۱۴۱۷: ج ۲، ۶۳).

صاحب تفسیر من هدی القرآن، اصل مقابله به مثل را با رعایت تمام شرایط آن به تمام موضوعات مرتبط با حیات انسان عمومیت می‌دهد (مدرسی ۱۴۱۹: ج ۱، ۳۴۰). در جهان معاصر، توانمندسازی علمی و تکنولوژیکی مسلمین با تأکید و تشویق نوآوری‌های مبتکران، از کارآمدترین روش‌های مقابله به مثل با ابرقدرت‌هایی است که از پیشرفت‌های علمی خود برای نابودی میراث ادیان استفاده می‌کنند. بنابراین بهره‌برداری از روش‌های نوآورانه، زمینه مقابله با هر تجاوزگری و توانایی هم‌آوردی با دشمنان را فراهم می‌کند.

۲-۴. اصل هدایت و راه‌یابی خداشناسان

قرآن کریم، تلاش‌گران را شایسته دست‌یابی به موهبت هدایت می‌داند و می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا...﴾ (عنکبوت: ۶۹).

معنای لغوی «جهاد» بذل تلاش و کوشش زبانی یا عملی در مسیر مبارزه با دشمنان اسلام است (ابن منظور ۱۴۰۸: ج ۳، ۱۳۵). مفسران مصداق جهاد را مجموعه تلاش‌ها برای رشد جایگاه اسلام و مسلمین با هدف جلب رضایت الهی می‌دانند و مجاهده را

استفاده از آخرین حد و وسع و قدرت در دفع دشمن تعریف می‌کنند (نک. طباطبایی ۱۴۱۷: ج ۱۶، ۱۴۷؛ مکارم شیرازی ۱۳۷۴: ج ۳، ۵۱۸). بی‌شک کوشش و کنکاش و فتح قله‌های علمی نوین، جهادی ستودنی است.

۳. مهم‌ترین مقدمات نوآوری از دیدگاه قرآن

نوآوری اسلامی در خلاء اتفاق نمی‌افتد، بلکه تحقق آن وابسته به پیش شرط‌هایی است. به نظر می‌رسد تبیین راه‌کارهای توسعه نوآوری‌های اسلامی و هدایت نوآوری‌های موجود در جامعه اهمیت زیادی دارد، بی‌شک تبیین این راه‌کارها و شناخت آنها راه را برای استفادهٔ بهینه هموار می‌سازد و در نتیجه گام‌های آغازین برای شناسایی راه‌کارها امری بایسته و ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

در قرآن کریم دستورالعمل‌های متعددی برای انجام مهم‌ترین مقدمات تحقق نوآوری اسلامی وجود دارد. در این جستار مقدمات را در دو حیطهٔ غیراکتسابی و اکتسابی در حد توان بررسی می‌کنیم:

۳-۱. مقدمات غیراکتسابی

انسان‌ها از شرایط گوناگونی، ناخواسته و غیرانتخابی تأثیر می‌گیرند و هر کدام بهره‌ای خاص از توانایی‌های ذهنی، جسمی و محیطی می‌برند. در قرآن کریم با تأکید بر این موضوع، تکلیف هر انسان را به اندازهٔ بهره‌مندی‌اش از موهبت‌های الهی می‌داند (مؤمنون: ۶۲؛ اعراف: ۴۲؛ انعام: ۱۵۲).

بنابراین فردی که توانایی‌های هوشی و مهارت‌های جسمی بالاتری دارد، در مقایسه با دیگری، برای نوآوری مستعدتر است. سنجش دقیق میزان تأثیر هر یک از این عوامل در بروز نوآوری از افراد، نیازمند پژوهشی مستقل و گسترده است.

به نظر نگارنده در مجموع برخی از انسان‌ها نسبت به سایرین برای نوآوری آماده‌ترند. اما آنچه اهمیت بالایی دارد این است که علی‌رغم تأثیرگذاری عوامل فوق بر نوآوری افراد، نمی‌توان قایل به تأثیری قهری و جبری بود. یعنی مطابق دیدگاه قرآن، این انسان‌ها هستند که با گزینش بهتر در محیط پیرامون خود، می‌توانند زندگانی را به سمت و سوی شایسته‌تر سوق دهند (زمر: ۱۸).

۲-۳. مقدمات اکتسابی

مهم‌ترین مقدمات اکتسابی برای تحقق نوآوری در چهار گروه قرار دارند:

۱-۲-۳. تمهید فضای مناسب برای تضارب آراء

بی‌شک هر انسانی آزاد آفریده شده و می‌تواند این حق فطری‌اش را در قالب ارائه نظریات جدید نمایان کند. البته در این عرصه نیز موضوع علم و آگاهی به نحو بارزی مشخص است. زیرا ارائه و عمل به نظریه‌ای ناآگاهانه، نوعی بی‌راهه رفتن است و به فرموده رسول اکرم (ص): «هرکس بی علم، کاری انجام دهد، بیش از آن‌که اصلاحی کند، باعث فساد می‌شود» (مجلسی ۱۴۰۳: ج ۷۴، ۱۵۰).

در نوآوری‌هایی که هدف اصلاح شرایط موجود و رفع نیازهای پیش‌روست، نظرات اندیشمندان و نخبگان در عرصه‌های گوناگون، سرمایه اصلی است. حال اگر فضای مناسب برای طرح و آراء و نظرات وجود نداشته باشد، گویی بدون ابزار، قصد بنای ساختمانی خالی از اشکال کرده باشیم.

در منابع دینی، رهنمودهای فراوانی درباره اهمیت وجود فضای مناسب جهت تضارب آراء با عنوان رایزنی و مشورت مشاهده می‌شود. اهمیت این موضوع به حدی است که رایزنی، روشن‌گرترین عامل کارها معرفی شده است (امام علی (ع) به نقل از محمودی ۱۳۶۹، ج ۸، ۱۹۳).

مشاوره به معنای استخراج رأی درست به واسطه مراجعه به دیگران است (راغب اصفهانی ۱۴۱۲: ج ۱، ۴۶۹؛ مصطفوی ۱۳۶۰: ج ۶، ۱۴۸)، اما برخی شورا را به راه‌حل خود محوری‌ها و دستیابی اندیشه‌های برتر تعریف می‌کنند (شیرازی ۱۴۱۱).

آنچه رایزنی را منجر به تولد اندیشه‌ای پر بارتر می‌کند، فعال‌سازی جریان تضارب آراء است؛ زیرا نظرسنجی از دیگران پیرامون موضوعات گوناگون، سبب می‌شود نظراتی چه بسا متفاوت و حتی متناقض با نظریه شخصی مشورت‌کننده مطرح شود و سرانجام اقامه دلایل متقن از سوی هر یک از طرفین، نظریه صحیح‌تر را نمایان کند.

قرآن کریم استفاده از ثمرات رایزنی را یکی از اوصاف رهبران و بالتبع عموم مسلمین می‌داند (آل عمران: ۱۵۹). به نظر برخی، مهم‌ترین نتیجه رایزنی، آشکارسازی وجوه مختلف امور بر افراد و ارتقای سطح تفکر آنان و افزایش حس مسئولیت‌پذیری است (مدرسی ۱۴۱۹: ج ۱، ۶۹۰).

در آیه ﴿...أمرهم شورى بينهم...﴾ (شوری: ۳۸) بیان می‌شود مؤمنان سالک در مسیر رشد، به صاحبان اندیشه مراجعه می‌کنند و نظرات آنان را جویا می‌شوند (طباطبایی ۱۴۱۷: ج ۱۸، ۶۴). شاید دلیل این فرمان قرآنی این است که انسان هر قدر از جهت فکری توانمند باشد، بر همه ابعاد مسایل اشراف ندارد، اما در جریان رایزنی عقل‌ها به کمک هم می‌آیند و برون داد کامل‌تری حاصل می‌شود و همگان از نور عقل و خرد جمعی بهره‌مند می‌شوند (امام علی(ع) به نقل از آمدی ۱۳۶۶: ج ۵، ۳۴۰). ثمراتی که به موجب رایزنی در سطح جوامع متجلی می‌شود، به گونه‌ای است که موجب ظهور نوآوری و تداوم این جریان خواهد شد. به فرموده معصومین(ع)، شخصی که مشورت می‌کند، نه تنها کمتر اشتباه می‌کند بلکه موارد خطا را هم می‌شناسد (امام علی(ع): خطبه ۱۷۳) و سرانجام به راه صحیح رهنمون می‌شود (مجلسی ۱۴۰۳: ج ۷۴، ۴۳۰).

مفسران، تفقد از نیروها و شکوفایی استعدادها را از جمله ثمرات مشورت می‌دانند (فخر رازی ۱۳۶۶: ج ۹، ۶۶؛ مکارم شیرازی ۱۳۷۴: ج ۳، ۱۴۴). فرایند مشورت، بستر مناسبی برای رشد و شکوفایی استعدادهای لایق فراهم می‌کند و باعث تحرک و پویایی در کل جامعه می‌شود، خمودگی را از فکر و ذهن افراد می‌برد و در نهایت، موجب بروز و ظهور نوآوری در سطح جامعه می‌گردد.

۳-۲-۲. ارزش‌گذاری بر مقوله نقد

«نقد» در لغت به معنای جداسازی درهم‌های قلبی از درهم‌های حقیقی است (ابن منظور ۱۴۰۸: ج ۳، ۴۲۵) و در اصطلاح به معنای تجزیه، تحلیل و ارزیابی آثار است (ضیف ۱۳۶۲: ۳).

قرآن کریم کتابی الهی است که نقادانه، بینش‌ها و گرایش‌های ادیان پیشین را بازخوانی و نقاط قوت و ضعف آنها را تحلیل می‌کند.

گرچه در آیات قرآنی واژه «نقد» و «انتقاد» وجود ندارد اما آیاتی با چنین بار معنایی بسیارند؛ آیاتی که تمامی انسان‌ها را در مواجهه با اغواهای شیطانی (ص: ۸۲) و اوامر نفسانی (یوسف: ۵۳) می‌دانند، گویای این اصل مسلم هستند که جز بندگان مخلص خداوند (ص: ۸۳)، سایرین هرگز مصون از خطا نیستند. در این عرصه پرهیاهو که هر

لحظه احتمال خطا هست، جریان نقد و نقادی، اصلاح کننده کاستی‌ها در تمام قلمروهای حیات انسانی است.

از منظر قرآن کریم، روحیه نقادی، صفت خردمندان در کلیه شئون زندگی است، زیرا آنان در تمام شنیده‌های‌شان با دقت می‌اندیشند و پس از ارزیابی بی‌طرفانه، نیکوترین را برمی‌گزینند (زمر: ۱۸). در آموزه‌های دینی، کسانی که دیگران را به نقائص‌شان آگاه نمی‌کنند، دشمن خطاب شده‌اند. (امام علی(ع) به نقل از ری شهری [بی تا]: ج ۳، ۲۲۰۷)

میان مقوله نقد و نوآوری، پیوندی ناگسستنی وجود دارد زیرا یک دیدگاه و یا یک عملکرد زمانی دوام می‌یابد که ناکارآمدی نظریات مشابه دیگر در جریان نقادی منصفانه و مشفقانه‌ای اثبات شود. یکی از محققان معاصر تفکر انتقادی را فعالیتی مولد، مثبت و منتهی به نوآوری و ابتکار می‌داند و می‌گوید صاحبان تفکر انتقادی می‌توانند تعصب را از منطق و حقایق را از عقاید تمییز دهند (شریعتمداری ۱۳۸۲: ص ۶۶). برخی هم می‌گویند اگر از حوزه‌های نظری بر قوانین و نظریه‌های موجود هیچ انتقادی نشود، بشریت در حوزه‌های علمی دچار رکود، خمود و درجازدگی می‌شود (منصورنژاد ۱۳۸۴: ۹۷).

تعدادی از معیارهای قرآنی که سبب می‌شوند، نقد و انتقاد در مسیر نوآوری زمینه تعالی جامعه را فراهم کند عبارتند از:

○ تهذیب نفس از شوائب رذایل اخلاقی مانند غیبت (حجرات: ۱۲)، تهمت (ممتحنه: ۱۲) و دروغگویی (نحل: ۱۰۵).

○ داشتن هدفی اصلاح‌گرایانه و به دور از خصومت‌ها و کینه‌توزی‌ها (هود: ۱۱۷).

○ انتخاب روش‌های کلامی ملایم و تأثیرگذار (طه: ۴۴).

۳-۲-۳. اشاعه روحیه پرسش‌گری

در آموزه‌های اسلامی، داشتن علم یا دانستن گرامی‌ترین عزت و نادانی خوارترین ذلت معرفی شده (امام صادق(ع) به نقل از الحلوانی ۱۴۰۸: ۷۰) و آشکارسازی توانمندی‌های پنهان شده عقل‌های مخاطبان، رسالت اصلی رسولان است (امام علی(ع) خطبه ۱). قرآن کریم، کلامی الهی است که با طرح پرسش‌های حقیقی و مجازی

فراوانی، مخاطب خویش را به اندیشیدن سوق می‌دهد و سوال کردن را اصلی عقلایی معرفی می‌کند (انبیاء: ۷، زیرا نقش پرسش‌گری در روشن‌گری اندیشه‌ها بسیار کارآمد است).

پرسش‌گری همان بستر مناسبی است که فضای پویایی علمی و نیروی آفرینندگی انسان را بیدار می‌کند و منجر به توسعه عقلانیت می‌شود. صاحب تفسیر نمونه، سؤال را دریچه علوم و وسیله انتقال دانش‌ها می‌داند و می‌گوید طرح سؤالات در هر جامعه نشانه جنب و جوش افکار و بیداری اندیشه‌ها است (مکارم شیرازی ۱۳۷۴: ج ۲، ۱۴). بنابراین، پرسش؛ جزئی تفکیک‌ناپذیر از حیات انسان است که از اوان کودکی فعال می‌شود و روندی با اختلاف در کیفیت و کمیت ادامه می‌یابد و سرچشمه ابتکارات و نوآوری‌های مختلف در تمام عرصه‌های فکری و علمی می‌شود. اساساً تمام تحولات امروزین مرهون سؤالاتی است که سابقاً در ذهن بشر بوده و بعدها به شکل فرضیاتی مطرح شده و در نهایت به اثبات اصلی در علوم و نوآوری در آن عرصه منجر شده است.

۳-۲-۴. پرهیز از گفتمان جدلی در مناظرات

یکی از روش‌های مؤثر در رشد عقل و توسعه ثمرات به دست آمده از اكمال اندیشه، استفاده از مناظره است. طرفین در مناظره به طرح و تحلیل نظرات خویش بر پایه استدلال‌های متقن و با هدف دستیابی به حق می‌پردازند. در مناظرات قرآنی طرفین به مقتضای حال مخاطب سخن می‌گویند (نساء: ۶۳)، نسبت به موضوع اشراف کافی دارند (اسراء: ۳۱)، به گفته‌های خویش پایبندی عملی دارند (صف: ۲)، گشاده‌رو و خوش خلق هستند (فصلت: ۳۴)، در شنیدن کلام یکدیگر سعه صدر دارند (مزمّل: ۷۳)، از تمسک به دلایل بی‌اساس می‌پرهیزند (حج: ۳) و هرگز فضای بحث را با استهزاء نمی‌آلیند (انعام: ۱۰۸).

گاهی در جریان چنین نشست اندیشمندان‌ای آراء تلفیق می‌شوند و اشکالات نظرات پیشین تصحیح می‌شوند و یا نظریه‌ای نوین به منصف ظهور می‌رسد. حال اگر طرفین با رویکردی جدلی وارد گفتگو شوند، نه تنها نظریه‌ای ره‌گشا متولد نمی‌شود

بلکه به فرموده امام علی (ع) نفاق در دل‌ها ریشه می‌دواند (به نقل از شهید ثانی ۱۴۰۹: ۱۴۹) و جامعه به سمت گمراهی، هبوط می‌کند (همان: ۵۶).

اهل لغت «جدل» را به معنی منازعه با هدف چیرگی بر مخاطب و نقیض مناظره (راغب اصفهانی ۱۴۱۲: ۲۵۷) تعریف می‌کنند. در قرآن کریم، جدل علاوه بر معنای ستیزه‌جویی (غافر: ۴)، به معنای دلیل آوردن (نحل: ۱۲۵)، دفاع کردن (نحل: ۱۱۱)، سوگند خوردن در حج (بقره: ۱۹۷) و گفت‌گو (هود: ۷۴) نیز به کار می‌رود و انسان اهل جدال‌ترین آفریده (کهف: ۵۴) معرفی می‌شود. اسیتفای حق (مجادله: ۱)، دعوت به سوی خدا (نحل: ۱۲۵)، حق ستیزی (کهف: ۶۵) و گمراه‌سازی عوام (حج: ۹۰۸) از جمله اهداف جدال‌گران در قرآن کریم است. خداوند متعال به سبب‌شناسی وقوع جدال در جوامع اشاره می‌کند و تعصب (لقمان: ۲۰ و ۲۱)، تکبر (غافر: ۵۶)، نادانی (لقمان: ۲۰؛ حج: ۸) و مسئولیت‌گریزی (انفال: ۶) را کلیدی‌ترین دلایل اشتغال مردم به جدال می‌داند.

۴. مهم‌ترین موانع تحقق نوآوری از دیدگاه قرآن کریم

امروزه نقش عواملی که باعث تأخیر یا آسیب‌رسانی در فرآیند نوآوری هستند بسیار زیاد است. نوآوری در مواجهه با عوامل بازدارنده از حرکت باز می‌ماند. شناخت بازدارنده‌ها از یک سو به فهم عوامل آسیب‌زا و از سوی دیگر به تعیین الگوهای مناسب و جانشین برای دفع موانع کمک می‌کند. تعدادی از مهم‌ترین موانع تحقق نوآوری عبارتند از:

۴-۱. جمود فکری

جمود به معنای «بسته ذهنی»، «تنگ نظری» و «داشتن اندیشه‌ای راکد و ساکن» است و جامدالفکر یا متحجر کسی است که اندیشه پویا و سیالی ندارد و فاقد بصیرت و درایت است (اسفندیاری ۱۳۷۶: ۶۵). شهید مطهری در تعریف جمود می‌نویسد: «جامد از هر چه نو است، متنفر است و جز با کهنه خو نمی‌گیرد... هر تازه‌ای را فساد و انحراف می‌خواند... میان هسته و پوسته، وسیله و هدف فرق نمی‌گذارد. از نظر او دین مأمور حفظ آثار باستانی است. از نظر او قرآن نازل شده است برای این‌که جریان زمان را متوقف و اوضاع جهان را به همان حالی که هست میخ‌کوب کند» (مطهری ۱۳۸۱: ج

۱۹، ۱۱۰). او روحیه جمود را خلاف روح اسلام (مطهری ۱۳۸۱: ۸۶)، سد راه شناخت (مطهری ۱۳۸۱: ج ۹، ۴۱۹) و بزرگ‌ترین دشمن قرآن می‌داند (مطهری، ۹۷).

در بیشتر مواقع معنای تحجر و جمود را یکسان می‌دانند و در عبارات به صورت هم‌معنا کاربرد دارند. البته بعضی از صاحب‌نظران معاصر به وجود اندک تفاوتی میان این دو واژه اذعان دارند و «تحجر» را تحول‌ناپذیری در ساحت بینش و دانش و «جمود» را تحول‌ناپذیری در ساحت رفتارها و گرایش‌ها می‌دانند (رودگر ۱۳۸۲: ۴۹).

به نظر محققان قرآنی ریشه تحجر در نفسانیت و انانیت‌های فردی و گروهی انسان‌ها است (حائری شیرازی [بی‌تا]: ۷۷). بعضی‌ها مهم‌ترین عامل تحجر را عدم تفکیک بین اصول و پایه‌های ثابت و ضرور زندگی بشر با جنبه‌های متغیر و متحول آن معرفی می‌کنند (ذو علم: ۱۳).

جمود فکری مانعی جدی در شکوفایی اندیشه و پیشروی انسان و ایجاد تعامل مثبت با واقعیات است. در قرآن کریم، نزدیک‌ترین مفهوم به جمود فکری، «شد قلب» به معنای نفوذ ناپذیری در مسیر شناخت و هدایت‌پذیری است.

به نظر مفسران جمود فکری یکی از خصوصیات بنی‌اسرائیل بود. سیطره تحجر و جمود بر قلب‌های آنان طوری بود که باعث شد تنها به پوسته ظاهری دین توجه کنند و استعداد پذیرش حرکت و حیات و راه‌یابی رحمت‌الهی از آنها سلب شود (نک. فضل‌الله ۱۴۱۹: ج ۲، ۹۳؛ مدرسی ۱۴۱۹: ج ۱، ۷۷؛ طالقانی ۱۳۶۲: ج ۱، ۲۰۰). بنابراین جمود فکری از جمله آسیب‌های فکری و فرهنگی است که عقل را از پویایی و انعطاف باز می‌دارد و باعث می‌شود فرد بر هر باوری جز باور خود خط بطلان بکشد.

سید قطب پیرامون پیراستگی ساحت اسلام از جمود فکری می‌نویسد: «علت جمودی که دامن‌گیر امت اسلامی در عصر متأخر شده، اسلام نیست، زیرا بدیهی است، اسلامی که روزگاری این امت را برانگیخت و تمدنی را پدید آورد که چندین قرن در حال رشد، نمو، شکوفایی و ابداع در همه زمینه‌ها بود، خودش علت جمود، رکود و بازایستادن از ابداع باشد».

مکارم شیرازی با استناد به آیه ﴿الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ﴾ (زمر: ۱۸)، یکی از خصوصیات بندگان راستین را ارج نهادن به اندیشه‌ها و دوری از هر تعصب و لجاجت می‌داند. بنابراین اولاً اسلام از

بیان سخنان نو دلهره‌ای ندارد و تنها انتخاب احسن را توصیه می‌کند، ثانیاً با هر جمود فکری مخالف و همیشه با نقد و نظر و پویایی موافق است و هرگز با مهر تکفیر و تفسیق به مبارزه با اندیشه‌ها و طرح‌های نو نمی‌رود بلکه ضمن پایبندی به سنت‌های بنیادین، پیوسته برهان و استدلال را مورد تأکید قرار می‌دهد.

۴-۲. گذشته‌گرایی

گذشته‌گرایی مفهومی متفاوت از گذشته‌نگری و از مقدمات مهم افزایش آگاهی و شناخت است (اعراف: ۱۷۶)؛ اما گذشته‌گرایی معادل واژه تقلید کورکورانه و به معنای تبعیت از افعال و اقوال دیگری بی تأمل و اندیشیدن است (راغب اصفهانی ۱۴۱۲: ج ۱، ۶۸۲). در دانش بی‌کران قرآنی تقلید از راه منحن نیاکان، نکوهش می‌شود (لقمان: ۲۱) و تبعیت کورکورانه از رسوبات فکری گذشتگان را یکی از موانع دست‌یابی به حقیقت (اعراف: ۷۱) و عوامل غوطه‌وری در گمراهی (انبیاء: ۴۵) می‌داند.

در مکتب قرآن به سبب شناسی گذشته‌گرایی پرداخته شده و عواطف خویشاوندی (اعراف: ۲۸). جهل (کهف: ۵)، فتنه‌انگیزی‌های شیطان (لقمان: ۲۱) و عدم خردورزی (انبیاء: ۶۷) مهم‌ترین دلایل چنین رویکردی شناخته می‌شوند.

مطلوب قرآن، دینداری همراه با خردورزی است و عناوینی نظیر نیاکان و پیشینیان نه تنها به خودی خود معیاری برای تقلید نیستند، بلکه از جمله لغزش‌گاه‌های اندیشه و منافی با موضوع استقلال فکری است.

مفسران معاصر تقلید کورکورانه را آفت اصلاح (مدرسی ۱۴۱۹، ج ۲، ۴۷۶) و یک بیماری اجتماعی (همان: ج ۳، ۴۸۱) می‌دانند و تمسک به آن را از خصوصیات امت‌های مشرک معرفی می‌کنند. (طباطبایی ۱۴۱۷: ج ۱۸، ۹۵). جوادی آملی، تقلیدروبی را مقدمه هرگونه تعلیم و تحقیق می‌داند و معتقد است پیامبران سعی داشته‌اند بنیاد تقلید باطل را از جامعه برکنده و انسان‌ها را محقق بار بیاورند (نک. جوادی آملی ۱۳۷۲: ج ۶، ۱۲۹ و ۱۳۰).

بی‌شک گذشته‌گرایی از جمله موانع در مسیر تحقق نوآوری است، زیرا تقلید کورکورانه به تدریج قابلیت‌های عالی ادراکی را از انسان می‌گیرد و از او موجودی راکد و وابسته می‌سازد.

۴-۳. شخصیت‌گرایی

شخصیت‌گرایی یا گرایش به شخصیت‌های معروف و انسان‌های صاحب نام و مقام (مصاحبی ۱۳۸۳: ج ۱، ۶۷۴) عامل مهمی در خروج انسان از اعتدال شخصیتی است. این خصلت نه تنها بر منش و رفتار بلکه بر بینش و نگرش آدم نیز آثار زیان‌باری می‌گذارد. طوری که تصویری واژگون از حق و حقایقیت برابر شخص قرار می‌دهد و به این ترتیب فرد مصداق ناشنوا و نابینای قرآنی (بقره: ۱۷۱) می‌شود. اما گاهی این تأثیرپذیری به قدری زیاد است که روح و جان او را تسخیر می‌کند و در قالب جانب‌داری فرد از مجموعه رویکردهای فکری و عملی - حتی اگر در مسیری نامعقول و دور از حق باشد - بروز می‌کند.

از جمله مصادیق مهم شخصیت‌گرایان در قرآن کریم، گروهی از بنی‌اسرائیل هستند که پس از غیاب چند روزه موسی (ع) علی‌رغم انذارهای هارون، به تشویق سامری به گوساله‌پرستی روی آوردند و خطاب به هارون گفتند: ﴿ان نبرح علیه عاکفین حتی یرجع الینا موسی﴾ ما هرگز از پرستش آن دست بر نمی‌داریم تا موسی به سوی ما بازگردد.

بنی‌اسرائیل نه می‌اندیشیدند، نه به شنیده‌ها اکتفاء می‌کردند و نه تابع جانشین پیامبر بودند، بلکه تنها شخص پیامبر را به صرف آن‌که فردی از افراد قوم‌شان بود، پذیرفتند (طباطبایی ۱۴۱۷: ج ۱۴، ۱۹۳)، در حالی که معیار اصلی تشخیص حق و تبعیت از آن است و رسول، تنها یک واسطه الهی است.

شخصیت‌گرایی از آن‌جا که یکی از موانع بنیادین در مسیر شناخت حقایق و ره‌یابی بدان است یکی از موانع تحقق نوآوری محسوب می‌شود و سبب می‌گردد فرد از پذیرش هر اندیشه‌ای که در وجود شخص مورد نظرش نمی‌یابد، امتناع کند.

۴-۴. از خود بیگانگی

از خود بیگانگی، خودباختگی و یا خود فراموشی، نقیض خودباوری است. در تعریف این واژه می‌نویسند: خودباختگی حالتی روحی و درونی و ناشی از آن است که انسان گوهر هستی خویش را نشناسد. بنابراین از درون احساس حقارت می‌کند و به خود جرأت اندیشیدن، بررسی و ابراز رأی مستقل نمی‌دهد و فریفته نظرات سایرین می‌شود (مرویان حسینی ۱۳۸۳: ۱۶۰). برخی هم از خودبیگانگی را عامل سقوط انسان معرفی می‌کنند و آن را حالت انزجار آدمی از خویشتن و نفی توانایی‌های فکری و جسمی

می‌دانند (مهدوی‌نژاد ۱۳۸۶: ۸۳)، این حالت در ابعاد بزرگ‌تری مانند یک جامعه هم امکان ظهور دارد.

از دیدگاه قرآن کریم اصلی‌ترین عامل از خودبیگانگی انسان، گسستگی از خداوند متعال است (حشر: ۱۹)، زیرا کسی که ایمان راستین به خدا ندارد، از داشتن قطب ثابتی که برای رسیدن بدان بکوشد، محروم است. بنابراین تحت تأثیر جریان‌های گوناگون قرار می‌گیرد.

فرد از خود بیگانه، خود را قادر به هیچ حرکت نوینی نمی‌داند و، اقدامی در این راستا به عمل نمی‌آورد.

در قرآن کریم، آیاتی دیده می‌شود که توجه و تدبیر در آنها بر میزان خودباوری افراد می‌افزاید:

○ آیاتی که به توانایی‌های انسان‌ها در عرصه‌های مختلف جسمی (اعراف: ۷۴)، تکنیکی (انبیاء: ۸۰) و اجتماعی (زخرف: ۳۲) اشاره می‌کنند.

○ آیاتی که تقوای پیشگی را عامل زدودن ناآرامی‌ها و تشتت‌ها از ساحت وجودی انسان می‌دانند (یونس: ۶۲؛ بقره: ۱۲، ۶۲، ۲۶۲، ۲۷۴، ...).

بنابراین زوال روحیه از خود باختگی در گرو ایمان و عمل است. یعنی عملکردی که منبث از ایمان باشد و ایمانی که ملازم عمل قرار گیرد، ظرفیت عملی و معنوی افراد را افزایش می‌دهد و به بنای تمدنی برتر می‌انجامد.

نتیجه‌گیری

در یک نتیجه‌گیری کلی، مطابق باورهای اسلامی؛ تحول مثبت، روزآمد شدن و نوآوری در راستای مبانی ارزشی و اعتقادی، جایگاه ویژه‌ای دارد. انسان‌ها نیز در مسیر قرب الهی و متصف شدن به درجاتی از اسماء حسنا الهی جواز ورود به عرصه نوآوری را دارند.

در دنیای معاصر نیازهای هر لحظه‌ای، نوآوری را به تکلیفی شرعی و ملی به منظور برون رفت از جو انس یافته با اقتباس مبدل می‌سازد.

در قرآن کریم آیاتی که بیانگر قاعده‌های منع تسلط بیگانگان بر مسلمانان، عزت‌مندی مؤمنان و مقابله با تجاوزکاران است، همگان را به اعمال راه‌کارهای نوآورانه

در عرصه‌های گوناگون علمی و تکنولوژیکی فرامی‌خوانند و نوید راه‌یابی به ره‌پویان تلاش‌گر را می‌دهند.

بی‌شک توجه به ملزومات اکتسابی و غیراکتسابی برای نیل بدین مطلوب از اهمیت شایانی برخوردار است..

منابع و مأخذ

- آذرنوش، آذرتاش (۱۳۸۱)، فرهنگ معاصر عربی، فارسی، تهران، نشر نی.
- آمدی، عبدالوحد بن محمد (۱۳۶۶)، غررالحکم و دررالکلم، شرح جمال‌الدین محمد خوانساری، تحقیق میرجلال‌الدین ارموی، انتشارات دانشگاه تهران.
- الانصاری، ابراهیم (۱۴۱۳)، ملاحم القرآن، بیروت.
- ایازی، سید محمد علی (۱۳۸۰)، چهره پیوسته قرآن، تهران، نشر نی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۰۸)، لسان العرب، تعلیق علی شیری، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- ابن فارس (۱۴۰۴)، معجم مقاییس اللغة، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- انوری، حسن (۱۳۸۱)، فرهنگ بزرگ سخن، تهران، نشر سخن.
- اسفندیاری، محمد (۱۳۷۶)، فرهنگ بزرگ سخن، تهران، چاپ سپهر.
- ابن اثیر [بی تا]، النهایة فی غرر الحادیث، تحقیق طاهر احمد الزاوی و محمود محمد الطناجی، قم، موسسه اسماعیلیان.
- العلوانی، الحسین بن محمد بن الحسن بن نصر (۱۴۰۸)، نزهة الناظر و تنبیه الخواطر، قم، مدرسه الامام المهدي.
- جان محمدی، فاطمه (۱۳۸۶)، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، قم، دفتر نشر معارف.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸)، تفسیر موضوعی قرآن کریم، قرآن در قرآن، قم، مرکز نشر معارف.
- _____ (۱۳۷۲)، تفسیر موضوعی قرآن کریم، سیره انبیاء، قم، مرکز نشر معارف.
- الجوهری الفارابی، ابی نصر اسماعیل بن حماد (۱۴۲۶)، تاج اللغة و صحاح العربیة المسمی الصحاح، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- دروز، محمد (۱۴۲۱)، التفسیر الحادیث ترتیب الورحوب النزول، بیروت، دارالغرب اسلامی.
- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۸۲)، ره زنان دین، تهران، نشر دریا.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغت‌نامه دهخدا، تهران، مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.
- راقفی، مصطفی صادق (۱۴۲۱)، اعجاز القرآن و البلاغہ النبویة، بیروت، دارالکتب العلمیة.

- ری شهری، محمد [بی تا]. *میزان الحکمه*، بی جا، دارالحدیث.
- سبحانی، جعفر (۱۳۸۰)، *وهابیت مبانی فکری و کارنامه عملی*، قم، موسسه تعلیماتی امام صادق (ع).
- شریعتمداری، علی (۱۳۸۲)، *نقد و خلاقیت در تفکر*، تهران، پژوهش‌گاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- الشهید الثاني (۱۴۰۹)، *منیة المرید فی ادب المفید و المستفید*، تحقیق رضا مختاری، مکتب الاعلام الاسلامی، بی جا.
- شیرازی، سید محمد (۱۴۱۱)، *الشوری فی الاسلام*، بیروت، مؤسسه الفکر الاسلامی.
- ضیف، شوقی (۱۳۶۲)، *نقد ادبی*، ترجمه لمیعه ضمیری، تهران، نشر امیرکبیر.
- طالقانی، محمود (۱۳۶۲)، *پرتوی از قرآن*، ج ۴، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- طبرسی، ابوالفضل بن الحسن (۱۹۹۰)، *مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دارالکتب العربی.
- طریحی، فخرالدین [بی تا]. *مجمع البحرین*، تحقیق سید احمد حسینی، تهران، کتاب‌فروشی مرتضوی.
- عسگری، ابوهلال (۱۴۱۲)، *معجم الفروق اللغویة*، قم، جامعه المدرسین.
- فخار طوسی، جواد (۱۳۸۳)، *عوامل و موانع نظریه‌پردازی فقهی*، درآمدی بر آزاداندیشی و نظریه‌پردازی در علوم دینی، قم، دبیرخانه نهضت آزاداندیشی و تولید علم.
- فخر رازی، محمد بن عمر (۱۳۶۶)، *التفسیر الکبیر*، مصر، دارالخیریه.
- فضل‌الله، سید محمدحسین (۱۴۱۹)، *تفسیر من وحی القرآن*، بیروت، دارالملاک للطباعة و النشر.
- الکلینی (۱۳۸۸)، *الکافی*، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- محمودی، محمد باقر (۱۳۶۹)، *نهج العساده فی مستدرک نهج البلاغه*، بیروت، دارالتعارف المطبوعات.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳)، *بحار الانوار*، بیروت، مؤسسه الوفاء.
- مدرسی، سید محمد تقی (۱۴۱۹)، *من هدی القرآن*، تهران، دار محبی الحسین.
- مرویان حسینی، سید محمود (۱۳۸۳)، *نیازهای انسان از منظر آموزه‌های دینی و روان‌شناسی*، مشهد، آستان قدس رضوی.
- مصباحی، محمد جواد (۱۳۸۳)، *شناخت نامه قرآن*، قم، نشر احیاگران.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۰)، *التحقیق فی کلمات القرآن*، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۱)، *ختم نبوت*، تهران، نشر صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- منصورنژاد، محمد (۱۳۸۴)، *درآمادی بر چیستی و چرایی نقد*، کتاب نقد، تهران، پژوهش‌گاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ش ۲۴.
- مهدوی‌نژاد، غلامحسین (۱۳۸۶)، *راهکارهای تقویت خودباوری در مجامع علمی و دانشگاهی از دیدگاه قرآن و روایات*، فصلنامه دانشگاه اسلامی، ش ۲.